

# بررسی انواع موسیقی و صورخیال در اشعار کودک و نوجوان قیصر امین پور

امیرمحمد اردشیرزاده<sup>(\*)</sup>

۱. استادیار دانشگاه فرهنگیان دزفول

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۶/۰۴

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۱۲

## چکیده

سروده‌های قیصر امین پور دربارهٔ کودکان و نوجوانان ساده و روان است، اما با وجود این ویژگی شاعر تمامی عناصر سازندهٔ شعر همچون موسیقی، تخیل و تصویر را در شعر کودک به کار می‌گیرد. بنابراین سهل و ممتنع از ویژگی‌های بارز اشعار کودک قیصر محسوب می‌شود. وی در همهٔ اشعارش از وزن عروضی به‌عنوان موسیقی بیرونی استفاده می‌کند. در شعر کودک و نوجوان هم موسیقی بیش از هر چیز دیگر ارزش دارد و شاعر از عنصر خیال به‌عنوان نقشی سازنده و گیرا در ساختار شعر استفاده می‌کند. در این جستار موسیقی اشعار سروده شدهٔ امین پور برای کودکان و نوجوانان مورد بررسی و طبقه‌بندی قرار گرفته است. در پژوهش حاضر ابتدا انواع موسیقی همراه با شواهدی از سروده‌های شاعر سپس صورخیال موجود در شعر کودک قیصر ذکر شده است. البته بسامد کاربرد تشخیص در شعر کودک قیصر بی‌تردید بیشتر از هر یک از صورخیال است. هدف از این پژوهش بررسی موسیقی و صورخیال اشعار سروده شدهٔ قیصر برای کودکان و نوجوانان است تا مشخص شود که ایشان تا چه اندازه در این حوزه نوآوری داشته و با آفرینش تصویرهای خیالی جدید در ساختار شعر کودک تاثیرگذار بوده است. نیز شاهد شکل‌گیری بسیاری از سروده‌ها در قالب داستانی هستیم.

واژه‌های کلیدی: قیصر امین پور، شعر کودک، موسیقی، صورخیال.

## مقدمه

قیصر امین پور یکی از شاعران دههٔ نخستین انقلاب اسلامی است که برای کودکان و به‌ویژه نوجوانان کشور مجموعه شعرها و نوشته‌هایی دارد که به‌طور حتم با نام و شعرهایش آشنا هستیم. شکوفاترین دورهٔ زندگی قیصر در ماهنامه سرروش نوجوان سپری شده است (۱۳۶۶-۱۳۸۲) و حدود نیمی از کتاب‌های وی در حیطهٔ ادبیات کودک و نوجوان در این سال‌ها پدید آمده است. قیصر در عرصهٔ آفرینش‌های شاعرانه خود از عناصر خیال و توسعه تصویرگری شعرش خواسته‌های زبانی خود را لحاظ می‌نماید. وی به دور از هرگونه پیچیدگی و تجربه‌های دور از ذهن، ساده اندیشی و سهولت تخیل و تصاویر ذهنی را به آسانی در دسترس خواننده قرار می‌دهد

\* نویسنده مرتبط: Ardeshirzadeh53@yahoo.com

که حاصل درک شخصی و نفوذ نگاه او در پدیده‌هاست. قیصر عمدتاً شاعری تصویرگر است و در تصویر آفرینی از اصطلاحات و تعبیرات رایج شعر معمول بهره می‌گیرد و تصاویر به حوزه صورخیال شعرش راه پیدا می‌کند. در این مقاله بر آنیم تا اشعار کودکان و نوجوانان وی را بررسی و ویژگی‌های شعری به‌خصوص صورخیال شعر قیصر را بنماییم. موسیقی و آهنگ در شعر به‌ویژه در شعر کودک از اهمیت فراوانی برخوردار است زیرا کودک بیش از هر چیز به آهنگ و موسیقی گوش و دل می‌سپارد.

## شعر کودک

شعر کودک شعری است که نیاز به سادگی، روانی و ایجاز دارد. نزدیکی زبان محاوره و کاربرد آن در شعر کودک از ویژگی‌های سازنده شعر کودک محسوب می‌شود. امین‌پور در حوزه کودک و نوجوان اشعاری سرود که هم در محتوا و مضمون و هم در زبان و فرم بسیار جدی است. زبان قیصر در اشعار کودکان و نوجوانان ساده، امروزی و طبیعی است. زبانی که از دل دستور می‌گیرد و برخوردار از واژه‌های کودکانه و محاوره‌ای است. در تعریف شعر کودک یمینی شریف می‌گوید: «شعر کودک کلامی است موزون و زیبا چه از حیث ترکیب اصوات و کلمات، چه از حیث مضمون. در مورد اشعار بی‌معنی، زیبایی ترکیب اصوات و کلمات کافی است، اما در مورد اشعار دیگر باید هر دو عامل زیبایی در آن‌ها وجود داشته باشد. شعر کودک بر پایه موسیقی اصوات و کلمات بنا شده و وسیله‌ای است برای بازی، حرکت و آواز او.» (سهراب، ۱۳۷۲: ۱۵۵)

آگنیا بارتو که درباره کودکان شعرهای فراوانی سروده است، پیرامون اهمیت شعر کودک می‌گوید: «یکی از نقش‌های شعر دادن پیام‌های اخلاقی است زیرا نتیجه‌گیری‌های اخلاقی که اطفال از شعرها می‌کنند تا آخر عمر با آنان باقی می‌مانند.» (گزارش شورای کتاب کودک، سال پانزدهم و شانزدهم، ۱۳۵۶: ۱۸)

بنابراین شعری که خوب باشد بهترین انگیزه برای کودکان به‌منظور اندیشیدن و خواندن و حتی نوشتن یا سرودن است. با این وجود شعر کودک باید از تمام ویژگی‌های شعری برخوردار باشد. همان‌طور که اشاره شد موسیقی و شعر کودک با هم عجین هستند و اساساً موسیقی موجب گرایش کودک به شعر می‌شود.

## موسیقی شعر

شفیعی کدکنی در موسیقی شعر بر این باور است که شعر به‌طور کلی دارای چهار نوع موسیقی است: موسیقی بیرونی، موسیقی کناری، موسیقی درونی و موسیقی معنوی. از میان انواع موسیقی مذکور موسیقی بیرونی در شعر کودک از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است ایشان در تعریف موسیقی بیرونی می‌نویسند: «منظور از موسیقی بیرونی شعر جانب عروضی وزن شعر است که بر همه شعرهایی که در یک وزن سروده شده‌اند قابل تطبیق است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۳: ۳۹۱)

منظور از موسیقی کناری در شعر قافیه و ردیف است. شفيعی کدکني در تعريف موسيقي دروني در کتاب موسيقي شعر می نویسد: «از آنجا که مدار موسيقي بر تنوع و تکرار استوار است هر کدام از جلوه های تنوع و تکرار در نظام آواها که از مقوله موسيقي بيروني (عروضي) و کناري (قافيه) بنا شد در حوزه مفهومي اين نوع موسيقي قرار می گیرد؛ يعني مجموعه هماهنگی هایی که از رهگذر وحدت یا تشابه یا تضاد صامت ها و مصوت ها که در کلمات یک شعر پديد می آید، جلوه های این نوع موسيقي است.» (همان: ۳۹۲)

نیز در تعريف موسيقي دروني شعر بر این باور است که «همه عناصر معنوي یک واحد هنري اجزای موسيقي معنوي آن اثر هستند از قبيل تضاد، طباق، ابهام، مراعات نظير که از معروف ترین نمونه های خیالی معنوي بدیع می باشند.» (همان: ۳۹۳)

قيصر امين پور در همه اشعارش از وزن عروضي به عنوان موسيقي بيروني استفاده می کند و هيچکدام از اشعارش بدون وزن یا همان توازن کمی نیست.

## وزن

قيصر در اشعاري که برای نوجوانان می سرايد از وزن هایی استفاده می کند که موسيقي تر از ديگر وزن ها هستند و از حالي تند و ضربي برخوردارند وی از طول مصراع های شعري کوتاه استفاده می کند تا کودکان به آنها بیشتر علاقه مند شوند.

این ماه، ماه مهر است  
ماهی که آسمانی اس  
ماهی که نام خوبش  
سرفصل مهربانی است  
ما غنچه های مهریم  
گل های باغ فردا  
پاییز برگ ریزان  
فصل شکفتن ما ...

(امين پور، ۱۳۸۶: ۳۵)

امين پور در انتخاب وزن برای سرایش شعر کودکان و نوجوانان عموماً موفق به نظر می رسد. وی بیشتر از وزن هایی سود می برد که آهنگين تر و مطبوع تر باشند.

چشمه ها در زمزمه  
رودها در شست و شو  
موج ها در همهمه  
جوی ها در جست و جو  
باغ در حال قيام

کوه در حال رکوع  
آفتاب و ماهتاب  
در غروب و در طلوع ...

(امین پور، ۱۳۸۵: ۵)

البته گاهی امین پور در سرایش شعر از وزن های طولانی نیز استفاده می کند که قطعاً برای گروه سنی نوجوان سروده شده است:

صبح در پشت در مانده بر جای  
نور در می زند چشم بگشای  
با اذان خروشان از آن دور  
روستا باز می خیزد از جای  
بیل بر شانه زنبیل در دست  
شال ها بر کمر گیوه در پای  
آسمان دست و رو شسته و پاک  
بوی باد سحر روح افزای  
خوشه های طلا دسته دسته  
آسمان رنگ نقره سراپای ...

(همان: ۲۰)

همان طور که می بینیم شعر فوق از وزن طولانی برخوردار است و جنبه موسیقایی آن کمتر دریافت می شود بی تردید وزن در بسیاری از شعرهای امین پور آن چنان طبیعی و آمیخته با تار و پود کلام است که تنها پس از چند بار خواندن و تأمل کردن می توان آن ها را دریافت.

با گریه های یک ریز/یک ریز/مثل ثانیه های گریز/با روزهای ریخته/در پای باد/با هفته های رفته/با فصل های سوخته/با سال های سخت/رفتیم و/سوختیم و/فرو ریختیم. (امین پور، ۱۳۸۱: ۴۴)

یا در منظومه ظهر روز دهم می گوید:  
از زبانش آتشی در سینه ها افتاد  
چشم ها آینه هایی در میان آب  
عکس یک کودک  
مثل تصویری شکسته  
در دل آینه ها افتاد

(امین پور، ۱۳۷۳: ۲۰)

قیصر به تناسب حالات و روحیات حاکم بر شعر وزن خاصی را انتخاب می کند که در تلقین احساسات و عواطف

حاکم بر شعر مؤثر است. امین‌پور در اکثر اشعارش توازن آوایی، واژگانی و نحوی را رعایت می‌کند. صفوی در کتاب از زبان‌شناسی به ادبیات می‌نویسد: «معمولاً درنگ به‌طور طبیعی در حد فاصل میان مصراع‌های نظم سنتی فارسی به کار می‌رود. اگر بتوان فاصله زمانی میان این درنگ‌ها را کمتر کرد بدون آنکه وزن مخدوش شود و تکرار منظم زمانی درنگ‌ها گسسته شود نظم موسیقایی بیشتر خواهد شد.» (صفوی، ۱۳۷۴: ۱۹۸-۱۹۹)

قیصر به‌خوبی در اشعارش از این توازن استفاده می‌کند و از طریق مکث در بین اجزای هر مصرع نظم ایجاد می‌کند.

شب، شبی بیکران بود

دفتر آسمان پاره‌پاره

برگ‌ها زرد و تیره

فصل، فصل خزان بود

هر ستاره حرف خط خورده‌ای تار

در دل صفحه آسمان بود

(امین‌پور، ۱۳۸۵: ۲۹)

### قافیه

کودکان اساساً علاقه‌مند به قافیه هستند و اشعار قافیه‌دار و آهنگ‌دار برایشان لذت‌بخش و شادی‌آفرین است. کودک پیش از اینکه وزن شعر را بشناسد به موسیقی قافیه توجه می‌کند درواقع ذهن کودکان فقط موسیقی را می‌شناسد.

قیصر امین‌پور همانند بسیاری از شاعران کودک و نوجوان به قافیه بسیار توجه داشته و سعی کرده در کتاب‌های مثل چشمه مثل رود، منظومه روز دهم و به قول پرستو از قافیه‌های شاد و غنی استفاده کند به‌طوری که بار موسیقایی آن‌ها بیشتر باشد. قیصر به نقش قافیه در شعر نو و توسعه فضای هارمونیک این شکل تاکید داشته است. آشنایی وی با نیما و پذیرش قواعد شعری او این دستاورد را برایش به ارمغان آورده است. با وجودی که در مجموعه‌های نخست قیصر هنوز آن پختگی و رسایی قافیه ایجاد نشده، اما در توسعه هارمونی شعرهایش کاربرد قافیه بسیار مؤثر واقع می‌شود.

ساکت و تنها

چون کتابی در مسیر باد

می‌خورم هر دم ورق اما

هیچ‌کس او را نمی‌خواند

برگ‌ها را می‌دهد بر باد

می‌رود از یاد

هیچ چیز از او نمی‌ماند

بادبان کشتی او در مسیر باد

مقصدش هر جا که بادا باد

بادبان را ناخدا باد است  
لیک او را هم خدا هم ناخدا بادست

(امین پور، ۱۳۷۹: ۱۳)

پاره سنگی در آسمان چرخید  
بال گنجشک کوچکی لرزید  
چیزی از شاخه بر زمین افتاد  
کسی از روی شیطنت خندید

(امین پور، ۱۳۸۶: ۲۴)

همان طور که می بینیم واژه های (چرخید، لرزید، خندید) قافیه های کناری هستند و شاعر جهت تکمیل موسیقی و یا موسیقایی تر کردن شعر از آن ها بهره جسته است.

به پایش بره ای را سر بریدند  
ز بیم غرش فولاد و آهن  
گلوی نازک گل را دریدند  
کبوترها ز بام خود پریدند

(امین پور، ۱۳۸۵: ۳۰)

کودکی تنها به سوی دشمنان می راند  
می خروشید و رجز می خواند  
دسته شمشیر را در دست می چرخاند

(امین پور، ۱۳۷۳: ۲۵)

واژه های (می راند، می خواند و می چرخاند) با هم، قافیه هستند که قافیه های غنی به شمار می آیند، البته هرگاه که شاعر خواسته موسیقی شعر را کمال ببخشد از ردیف به عنوان آهنگ یار قافیه نیز استفاده کرده است.

به ناگه بوی دود از خرمن آمد  
دگر گاو آهن از یاد زمین رفت  
صدای نعره گاو آهن آمد  
از آن پس گاو رفت و آهن آمد

(امین پور، ۱۳۸۵: ۳۱)

نقش ردیف «آمد» سبب موسیقایی کردن شعر شده است. «خرمن و آهن» واژه های قافیه هستند و «آمد» ردیف که موسیقی قافیه را تکمیل می کند.

پس از بررسی اجمالی موسیقی بیرونی (وزن) و موسیقی کناری (قافیه و ردیف) می توان به انواع دیگر موسیقی شعر یعنی موسیقی درونی و معنوی اشاره کرد که قیصر امین پور از این گونه موسیقی ها بسیار بهره برده است. موسیقی درونی اگرچه به خاطر کوتاه بودن مصراع های شعر کودک کمتر جلوه می کند، اما از آنجا که موجب افزایش موسیقی درونی در شعر کودک می شود می توان نمونه هایی از آن را در شعر امین پور یافت.

## جناس

آرایه‌ای که موسیقی درونی شعر را دوچندان می‌کند و به کارگیری آن در شعر به‌ویژه شعر کودک جذابیت خاصی در روح و روان کودک ایجاد می‌کند جناس است. قیصر با به کارگیری دقیق و درست از جناس موسیقی درونی اشعارش را بیشتر کرده است. در شعر کودک از جناس تام کمتر استفاده می‌شود زیرا بیشتر به هنرنمایی شاعرانه شباهت دارد تا به زیبایی حقیقی و معنوی شعر.

چشمه‌ها در زمزمه  
رودها در شست‌وشو  
موج‌ها در همهمه  
جوی‌ها در جست‌وجو

(امین‌پور، ۱۳۸۵: ۵)

شاعر با دو واژه «شست‌وشو» و «جست‌وجو» جناس ناقص اختلافی ایجاد کرده است.

گاه در راهی سیاه  
گاه روی خط نور  
گاه نزدیک خدا  
گاه از دور دور

(همان: ۸)

در این شعر شاعر با این دو واژه «نور و دور» جناس ناقص اختلافی به وجود آورده است و با کاربرد موسیقی درونی باعث شده که موسیقی بیرونی و کناری کامل‌تر شود و در نتیجه برای کودک لذت‌بخش‌تر و دلچسب‌تر باشد.

پاییز در دل ما  
فصلی شکوفه بار است  
دل‌ها که سبز باشد  
پاییز هم بهار است  
(امین‌پور، ۱۳۸۶: ۳۵)

بین دو واژه «بار و بهار» جناس ناقص افزایشی وجود دارد که موجب موسیقی بیشتر در شعر شده است.

دشت غرق خنجر و دشنه  
کودکان در خیمه‌ها تشنه

(امین‌پور، ۱۳۷۳: ۱۱)

شاعر بین دو واژه «دشنه و تشنه» جناس ناقص اختلافی به وجود آورده است.

## تکرار

قیصر علاوه بر موسیقی وزن و هارمونی قافیه در شعر از ابزارهای دیگری نیز برای تنوع جریان موسیقی شعر خود

استفاده کرده است که یکی از مهم‌ترین این ابزارها آرایه تکرار واژگان و حروف است.

باد، باد بازیگوش

مشت غنچه را وا کرد

راز خاک را در باغ

بوته‌بوته افشا کرد

(امین‌پور، ۱۳۸۶: ۲۹)

تکرار باد و بوته برای غنی‌سازی موسیقی کاربرد پیدا کرده است و موسیقی درونی در شعر ایجاد کرده است.

دسته‌دسته گل شکفت در زمین

باغ‌ها بهار شد ز بوی باد

آسمان برای چشم‌روشنی

آفتاب را به دشت هدیه داد

(امین‌پور، ۱۳۸۵: ۱۵)

زنگ تفریح و هیاهوی نشاط

خنده‌های قاه‌قاه مدرسه

(همان: ۱۹)

خوشه‌های طلا دسته‌دسته

آسمان رنگ نقره سراپای

(همان: ۲۰)

شب شبی بیکران بود

دفتر آسمان پاره‌پاره

برگ‌ها زرد و تیره

فصل، فصل خزان بود

(همان: ۲۹)

سایه‌ها را اندک‌اندک/ریگ‌های تشنه می‌نوشید

(امین‌پور، ۱۳۷۳: ۷)

هنوز دامنه دارد/هنوز هم که هنوز است/درد دامنه دارد

شروع شاخه ادراک/طنین نام نخستین/تکان شانه خاک/و طعم میوه ممنوع

که تا تنفس سنگ ادامه خواهد داشت/و درد هنوز دامنه دارد

(امین‌پور، ۱۳۸۱: ۶۴)



تکرار واژه «هنوز» از یک طرف و تکرار صامت‌ها و مصوت‌های واژگان شروع شاخه، طعم طنین، خاک شانه و ... نوعی موسیقی مورد نیاز شعر را ایجاد کرده است.

خسته نفس می‌زند اسب نجیب کهر  
یال پریشان او دست نسیم سحر

(امین‌پور، ۱۳۸۵: ۱۰)

شانه زد موی بید مجنون را  
همه‌جا صاف مثل آینه

با سرانگشت مهربانش باد  
آبی آسمان در آب افتاد

(امین‌پور، ۱۳۸۶: ۲۸)

همان‌طور که می‌بینیم تکرار حرکات (مصوت‌های کوتاه) در حرکت کسره و مصوت بلند (ا) موسیقی درونی شعر را بیشتر کرده است.

### تضاد

تضاد یا طباق از جمله آرایه‌های ادبی است که شاعران برای خلاق کردن ذهن کودکان از این موسیقی معنوی در شعر خویش استفاده می‌کنند. تضاد نیز مورد توجه امین‌پور بوده که موجب غنای موسیقی معنوی شعر شده است.

راه بالا رفتن/مشکل و پیچان است  
و سرازیر شدن/مثل آب آسان است

(امین‌پور، ۱۳۸۵: ۱۸)

واژگان (مشکل و آسان) از نظر معنی ضد یکدیگرند بنابراین تقابل در معنی، سبب نوعی لذت در ذهن خواننده می‌شود و موسیقی معنوی این شعر از تقابل این دو واژه پدید می‌آید.

آفتاب و ماه یک خط در میان  
گاه پیدا گاه پنهان می‌شوند  
شادی و غم نیز هر یک لحظه‌ای  
بر سر این سفره مهمان می‌شوند

(امین‌پور، ۱۳۸۶: ۱۷)

شاعر با آوردن واژه‌های (پیدا و پنهان) و (شادی و غم) که از نظر معنی با هم در تضاد هستند موجب موسیقی معنوی در شعر شده و قطعاً موجب لذت ذهن خواننده خواهد شد.

این طرف هفتاد سیاره  
بر مدار روشن منظومه می‌چرخید  
دشمنان بسیار، دوستان اندک

(امین‌پور، ۱۳۷۳: ۱۲)

### مراعات نظیر

قیصر در سرودن شعرهایش از واژگانی که دارای تناسب‌هایی با هم هستند استفاده می‌کند و به زیبایی اشعاری می‌آفریند که به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود.

باغ در حال قیام  
کوه در حال رکوع  
آفتاب و ماه تاب  
در غروب و در طلوع

(امین‌پور، ۱۳۸۵: ۵)

سنگ پیشانی به خاک  
ابر سر بر آسمان  
مثل گنبد خم شده  
قامت رنگین کمان

(همان: ۵)

باغ سبز خدا در دل ماست  
میوه باغ شعر و ترانه  
شعر هم مثل هر میوه دارد  
ریشه و ساقه و برگ و دانه

(امین‌پور، ۱۳۸۶: ۱۳)

آفتاب مهربان تاج گل بر سر زده  
فصل تابستان گذشت  
نوبت مهر آمده

(همان: ۱۵)

پاییز در دل ما  
فصلی شکوفه بار است  
دل‌ها که سبز باشد  
پاییز هم بهار است

(همان: ۳۵)

عکس یک کودک  
مثل تصویری شکسته

در دل آینه‌ها افتاد

(امین‌پور، ۱۳۷۳: ۲۰)

همان‌طور که می‌بینیم در اشعار فوق بین واژگان تناسب‌هایی است که این تناسب‌ها بر موسیقی معنوی شعر افزوده و زیبایی اشعار را دوچندان کرده است.

## صورخیال

صورخیال در شعر نقش فراوانی دارد. قیصر امین‌پور بیشترین کاربرد را از صورخیال در شعرش دارد. تشبیه، استعاره، تشخیص و حس‌آمیزی صورت‌های خیال شعر وی را تشکیل می‌دهند.

### تشبیه

تشبیه در شعر قیصر از جایگاه خاصی برخوردار است و شاعر تلاش کرده است ذهن کودک را با تشبیه بیشتر آشنا سازد به طوری که باعث خیال‌انگیزی شعر شده است.

مثل آینه‌ای غبارآلود

آسمان روی دشت بال کشید

ناگهان باد ابرها را برد

روی آینه دستمال کشید

(امین‌پور، ۱۳۸۶: ۲۷)

یک جوانه کوچک

زیر خاک می‌خندید

در دل زمین رازی

مثل درد می‌پیچید

(همان: ۲۹)

باد مثل بید می‌لرزید

ابرها پشت سر هم سرفه می‌کردند

(همان: ۴۱)

سنگ پیشانی به خاک

ابر سر بر آسمان

مثل گنبد خم شده

قامت رنگین‌کمان

(امین‌پور، ۱۳۸۵: ۵)

لحظه‌های زندگی  
مثل چشمه مثل رود  
گاه می‌جوشد ز سنگ  
گاه می‌خواند سرود

(همان: ۷)

از زبانش آتشی در سینه‌ها افتاد  
چشم‌ها آینه‌هایی در میان آب  
عکس یک کودک  
مثل تصویری شکسته  
در دل آینه‌ها افتاد

(امین‌پور، ۱۳۷۳: ۲۰)

در پاره اشعار فوق شاعر با کاربرد انواع تشبیه (گسترده و فشرده) به زیبایی اشعار خویش افزوده و به اشعار رونق بیشتری داده است.

### استعاره

یکی از صور زیبای خیال است که اساساً در شعر کودک ارزش بیشتری دارد زیرا استعاره کوتاه شده تشبیه است و شعر کودک براساس ایجاز استوار است. جایگاه استعاره در شعر امین‌پور بارز است و شاعر برای خیال‌انگیز کردن شعر از این آرایه ادبی سود جست است.

هر ستاره حرف خط خورده‌ای تار  
در دل صفحه آسمان بود

(امین‌پور، ۱۳۸۵: ۲۹)

ستاره استعاره از فرد مبارز و انقلابی.  
ناگهان نوری از شرق تابید  
خون خورشید آتشی در شفق زد  
مردی از شرق برخاست  
آسمان را ورق زد

(همان: ۲۹)

نور و مرد استعاره از امام خمینی (ره).

صدای لرزش قلب زمین بود  
صدای پای پولادین یک دیو  
که با آهنگ آهن در طنین بود  
صدای پای دیوی آهنین بود

(همان: ۳۰)

شاعر آمدن ماشین به روستا را اتفاقی ناخوشایند می‌داند و با بهره‌گیری از استعاره از آن به دیوی پولادین و آهنین تعبیر می‌کند.

### تشخیص

یکی از پرکاربردترین آرایه‌ها در سرودهٔ قیصر امین‌پور آرایهٔ تشخیص یا جاندارپنداری است. این آرایه با آرایهٔ مراعات‌نظیر بیشتر همراه است. سروده‌های قیصر اغلب جاندار و پویا هستند. صفات یا حالات انسانی به اشیا، پدیده‌های طبیعت و مفاهیم انتزاعی به زیبایی در اشعار قیصر نسبت داده شده است، کاربرد این آرایه سبب شده تا شعر قیصر پویاتر و متحرک‌تر باشد به طوری که خواننده مجموعه‌ای از تصاویر زنده را پیش روی خود احساس می‌کند. در دنیای کودکان همه چیز جاندار است و در بازی‌ها و در رفتار با پدیده‌های اطراف خود گاهی این جاندارپنداری بروز می‌دهد.

تا تو ای بهار تازه آمدی  
سروهای سرفراز آمدند  
مثل رودخانه پرخروش  
عاشقان به پیشواز آمدند

(همان: ۱۵)

شاعر اشیا و مظاهر طبیعت را به صورت انسانی در نظر گرفته و آنان را با تمام خصوصیات انسانی توصیف کرده است.

گفت ای غنچه‌های خوب  
چرا لب‌تان را ز خنده می‌بندید؟  
زودتر بشکفید و باز شوید  
آی گل‌ها چرا نمی‌خندید؟

(همان: ۱۷)

شعر «آی گل‌ها چرا نمی‌خندید» ماجرای پرسش کودکی از مادرش که پدر کی از جبهه برمی‌گردد، است. شاعر بین آمدن بهار و شکوفه دادن باغ و بازگشت پدر نسبتی برقرار می‌کند و کودک از آن پس برای سرعت بخشیدن به بازگشت پدر به گفتگو با غنچه می‌پردازد.

گرچه گاهی شهابی  
مشق‌های شب آسمان را  
زود خط می‌زد و محو می‌شد  
باز در آن هوای مه‌آلود  
پاک‌کن‌هایی از ابر تیره  
خط خورشید را پاک می‌کرد

(همان: ۲۹)

در شعر فوق شهاب، انسانی تصور شده که مشق‌ها را خط می‌زند و ابرهای تیره مانند پاک‌کن، خط خورشید را پاک می‌کردند.

سنگ پیشانی به خاک/ابر سر بر آسمان/مثل گنبد خم شده/قامت رنگین کمان  
ابر در حال سفر/آسمان غرق سکوت/بر سر گلدسته‌ها/بال مرغان در قنوت  
کاسه شبنم به دست/لاله می‌گیرد وضو/بیدها گرم نماز/بادها درهای و هو...

(همان: ۵-۶)

امین پور در شعر «لحظه سبز دعا» در مجموعه مثل چشمه، مثل رود هجده مورد تشخیص را به کار می‌برد به طوری که همه پدیده‌های طبیعت خود را برای نماز آماده می‌کنند.

زمین فکر کرد: آسمانی شده

کیوتر گمان کرد: آبی شده

دل سنگ حس کرد: جاری شده

گل احساس کرد: آفتابی شده

به چشم زمین برفها آب شد

به فکر کویر آبشار آمده

(امین پور، ۱۳۸۶: ۱۲)

رعدوبرق شب، طنین خنده‌اش سیل و طوفان، نعره توفنده‌اش

(همان: ۴۴)

ابرها پشت سر هم سرفه می‌کردند

ناودان‌ها عطسه می‌کردند

آسمان انگار سرما خورده بود

(همان: ۴۱)

شاعر در پاره شعر فوق به توصیف صبح می‌پردازد و مراعات نظیرهای زیبا در بین پدیده‌های طبیعت را با علائم بیماری سرماخوردگی همراه کرده است. آرایه تشخیص و نسبت برخی حالات انسانی به پدیده‌های طبیعت با شکل ظاهری پدیده‌ها تناسب دارد. قیصر در شعر راز زندگی به این موضوع در ارتباط با گل و غنچه می‌پردازد:

غنچه با دل گرفته گفت

زندگی لب زخنده بستن است

گل به خنده گفت

زندگی شکفتن است است

با زبان سبز، راز گفتن است

(همان: ۹)

در منظومه روز دهم می‌سراید:  
 دشت ساکت گشت  
 ناگهان هنگامه شد در دشت  
 باز هم سیاره‌ای دیگر  
 از مدار روشن منظومه بیرون جست  
 کودکی از خیمه بیرون جست

(امین‌پور، ۱۳۷۳: ۱۶)

شاعر دشت را انسان‌گونه می‌پندارد زیرا دنیای کودکان که سرشار از دنیای خیال است این‌گونه می‌طلبد.

### حس‌آمیزی

حس‌آمیزی آرایه‌ای است که به زبان استحکام بیشتری می‌بخشد و شاعر با آمیختن دو حس متفاوت در کلام زیبایی خلق می‌کند. در شعر کودک نیز کم و بیش شاعران تلاش می‌کنند تا برای غنا بخشیدن به شعر و نفوذ کلام در میان کودکان از آن بهره‌مند شوند. قیصر امین‌پور در اشعار کودک و نوجوانان خویش به این آرایه توجه داشته است.

کودکی شور خدا در سر  
 با صدای گرم و روشن  
 گفت اینک من  
 یآوری دیگر

(همان: ۱۶)

همان‌طور که می‌دانیم صدا شنیدنی است و با حس لامسه در اینجا آمیخته شده و شاعر در کنار حس شنوایی، حس لامسه را همراه کرده و موجب غنای شعر شده است.

چه شد خاک از خواب بیدار شد  
 به خود گفت انگار من زنده‌ام  
 دوباره شکفته است گل از گلم  
 ببین بوی گل می‌دهد خنده‌ام

(امین‌پور، ۱۳۸۶: ۱۱)

شاعر بوی گل را که بوییدنی‌ست با دیدن همراه کرده است. بی‌تردید کودکان بدون آگاهی علمی از آرایه حس‌آمیزی از این زیبایی در شعر لذت می‌برند.

اگر با خبر باشی از آسمان  
 خبرهای آن سو همه آبی‌اند  
 خبرهای روشن، خبرهای خوب  
 همه آفتابی و مهتابی‌اند

(همان: ۳۱)

## نتیجه‌گیری

انواع موسیقی و صورخیال در سروده‌های کودکان و نوجوانان قیصر به وفور دیده می‌شود. امین‌پور در انتخاب وزن برای سرایش اشعار کودکان و نوجوانان موفق به نظر می‌رسد و بیشتر از وزن‌هایی سود می‌برد که آهنگین‌تر باشند. وی از قافیه‌های شاد و غنی استفاده می‌کند، به طوری که بار موسیقایی آن‌ها بیشتر باشد. قیصر از موسیقی درونی و معنوی بیش از سایر موسیقی بیرونی و کناری بهره می‌گیرد. امین‌پور بیشترین کاربرد را از صورخیال در شعرش می‌کند. آرایه تشخیص یکی از پرکاربردترین آرایه‌هایی است که از آن بهره گرفته است. مهم‌ترین تفاوت کاربرد تشخیص در سروده‌های قیصر امین‌پور با دیگران کاربرد این آرایه همراه با آرایه‌های نظیر است. همچنین همراهی این آرایه با دیگر آرایه‌های ادبی دیگر مثل: جناس، تضاد، تکرار، تشبیه و استعاره که از جمله دیگر تفاوت‌ها است.

با بررسی آثار کودکان و نوجوانان قیصر نظیر: به قول پرستو، منظومه روز دهم و مثل چشمه مثل رود جنبه‌های نوآوری در صورخیال اشعار قیصر به وفور دریافت می‌شود که در عرصه زبان شاخصه اصلی شعر شاعر است. نوآوری در تصاویر شامل تعبیر شخصی از نماد و از دنیای کودکی در شعر شاعر از جایگاه خاصی برخوردار است و مفاهیم انتزاعی، اشیای بی‌جان و پدیده‌های طبیعت را در برمی‌گیرد.

## منابع

- امین‌پور، قیصر. (۱۳۸۱). آینه‌های ناگهان. تهران: افق.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۶). به قول پرستو. تهران: افق.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۶). بی‌بال پریدن. تهران: افق.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۹). تنفس صبح. تهران: سروش.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۱). گل‌ها همه آفتاب‌گردانند. تهران: مروارید.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۵). مثل چشمه، مثل رود. تهران: سروش.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۳). منظومه روز دهم. تهران: سروش.
- سهراب، معصومه. (۱۳۷۲). مقاله درباره ادبیات کودکان. تهران: شورای کتاب کودک.
- صفوی، کوروش. (۱۳۷۴). از زبان‌شناسی به ادبیات. تهران: چشمه.
- شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۲). صورخیال در شعر فارسی. تهران: آگاه.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۲). موسیقی شعر. تهران: آگاه.
- گزارش شورای کتاب کودک (۱۳۵۶-۱۳۵۷). صص ۱۵-۱۶.
- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۷۰). فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: هما.